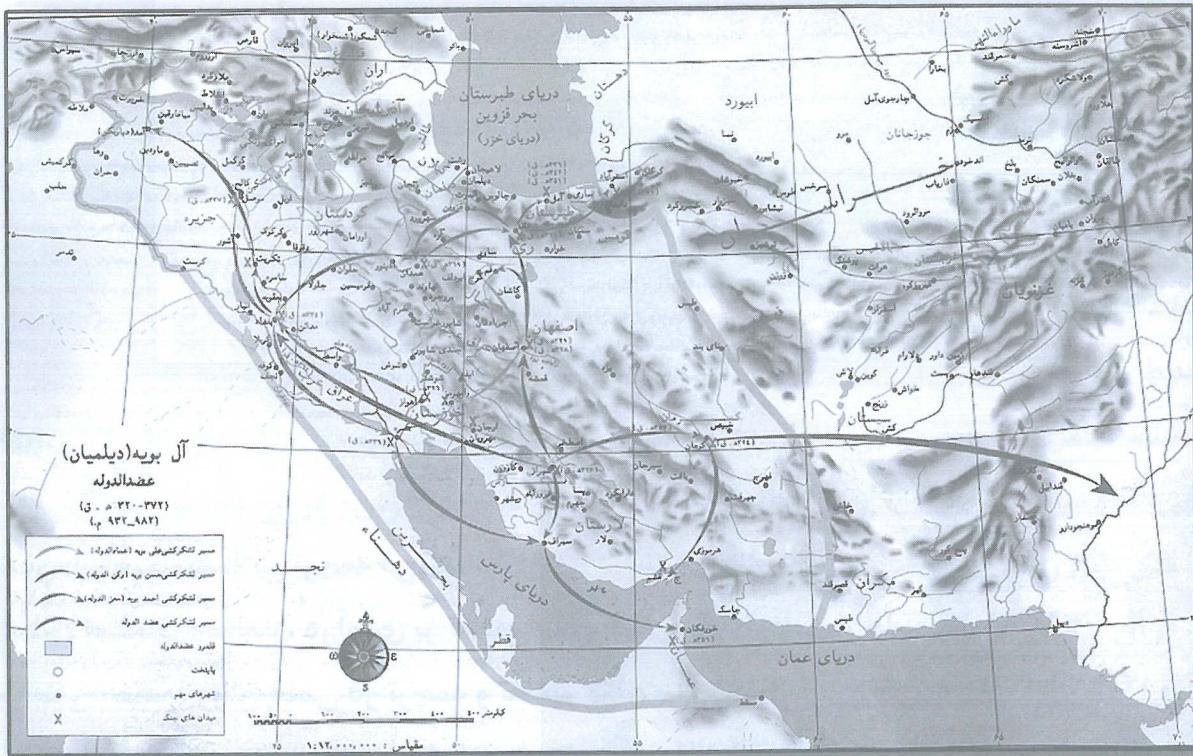


# ساختار نظامی آل بویه با تأکید بر دیلمیان

## آسیه ایزدیار – ایما رضایی



### چگینه مطلب:

حکومت آل بویه از مردم دیلم که دارای استعدادهای اثبات شده جنگی بودند آغاز شد. آنان تجهیزات نظامی و فنون جنگی خاصی را دارا بودند که در موقع ضرورت از آنها استفاده می کردند شاهان آل بویه اهمیت خاصی برای استعدادهای نظامی سپاهیان قائل بودند و سپاه را بارها مورد ارزیابی قرار می دادند همچنین آنها امور اقتصادی سپاه و مواجب سپاه را به دیوانی به نام دیوان سپاه مربوط کردند. نوعی اشرافیت نظامی نیز در این دوره شکل گرفت که مبتنی بر اقطاع داری بود.

در سپاه آل بویه در کنار دیلمیان، ترکان و کردان و عربها نیز حضور داشتند که به نوعی مکمل دیلمیان محسوب می شدند اما وجود این نیروهای نامتجانس در دراز مدت موجب اضطراب سپاه گردید.

### کلید واژه:

۱. آل بویه ۲. دیلمیان ۳. ترکان ۴. کردان ۵. عربها

ایفا کردن شناسنامه ای از فعالیت های آنان ارائه شود همچنین در مبحث ترکان به نزاع میان ترکان با دیلمیان و اینکه چطور این نزاع ها موجب تغییر روند این سلسله شکوهمند گردید پرداخته می شود.

باشد که توانسته باشیم در شناخت گوشه ای از تاریخ گرانبهای ایران اسلامی قدمی برداریم.

## فصل اول: تجهیزات و تدارکات نظامی آل بویه

### ادوات جنگی:

آل بویه به لحاظ طبع جنگجو و مهار ناپذیر خود مبتکر سلاح هایی به صورت بومی و استفاده از آنها در موقعیت های مختلف و خاص بوده اند ولی با این حال از ادواء جنگی متداول آن روز ایران نیز استفاده می کرده اند که در یک تقسیم بندهی کلی میتوان آن را به دو بخش:

۱. سلاح های تعرضی ۲. سلاح های دفاعی تقسیم کرد.

### ۱- سلاح های تعرضی:

یک سرباز آل بویه در جنگ شمشیر و سرنیزه بر میداشت. شمشیر که شریف ترین سلاح محسوب می شد و دو نوع یمانی و هندی آن معروف بود. است. نیزه نیز در انواع مختلف نیزه کوتاه و نیزه بلند به ندرت با قلاب بکار گرفته می شد. همچنین نوع دیگری از نیزه وجود داشت که بر آن ژنده آغشته به نفت زده و آن را آتش می زدند و سپس پرتاب می کردند.

حکومت آل بویه که بیش از یک قرن جهان اسلام را به خود مشغول کرد زائیده افکار استقلال طلبانه و روحیه آزادیخواهانه مردمانی بود که در پس دیوارهای محکم زمان و مکان خویش منتظر فرصتی مناسب بودند تا بتوانند اهداف خود را با روحیه جنگ طلبی و سیطره جویی رهبران خویش درآمیزند و از این طریق آن را به گوش تمام جهان اسلام برسانند. آل بویه زمانی توانست بر گستره وسیعی استیلا پیدا کند که ارتش قدرتمندی را دارا بود و زمانی راه اضمحلال و زوال را طی نمود که از قلب سپاه خود دچار آشوب و بلواشد. لذا به دلیل اهمیت موضوع بر آن شدیم تا به تمام زوایای این ساختار پرداخته تا درک صحیحی را از عملکرد این سلسله و دلایل رویدادها درآن بیابیم. در فصل اول این تحقیق سعی شده است تا تصویر دقیقی از آرایش ظاهری سپاهیان از جزئی ترین و مهمترین و کارآمدترین آنان در پیش روی خواننده قرار گیرد. در فصل دوم به فرهنگ جنگ طلبی سلاطین آل بویه اشاره می شود و اینکه چطور آنان توانستند با تزریق این فرهنگ در بطن اجتماع آن روز جنگجویانی پرورش دهند که خود مبتکر فنون نظامی شوند، فنونی که تا آن روز در نوع خود بی نظیر بوده است و در فصل سوم به مسائل اقتصادی سپاه پرداخته شده است و به دلیل اهمیت نظام اقطاع داری و اینکه چطور در فضای نظامی این سلسله جایگاهی یافت، بر آن شدیم تا این بحث را نیز در این فصل از تحقیق خود آوریم بالاخره در فصل چهارم تلاش شده به دلیل نقشی که دیلمیان در شکل گیری و تداوم این سلسله



از دیگر سلاح‌ها زوین و تبرزین بود و همچنین گرزهایی که متداول و ویژه طبرستان بوده است.<sup>۲</sup> استفاده از کمان هم در انواع مختلف مرسوم بود. در زمان جنگ تن به تن از شمشیر و خنجر و گرز استفاده می‌شد که احتیاج به فاصله‌ی نزدیک داشت و در مواردی که دو سپاه از یکدیگر فاصله داشتند از تیر و کمان استفاده می‌شد.

از جمله اسلحه تعرض در حمله به شهر‌ها و قلعه‌ها در درجه اول منجنیق بوده است که با آن سنگ‌های بزرگ بطرف قلعه پرتاب می‌کردند. دیگر اسلحه قوچ نام داشت چون جلوی آن شبیه به دوشاخ قوچ بوده به این نام معروف شده است که دیوارقلعه را با شاخهای آهنین آن سوراخ می‌نمودند.<sup>۳</sup>



## ۲. سلاح‌های دفاعی:

سلاح‌های دفاعی عبارت بود از سپر که به صورت چرمی با تزئینات فلزی ساخته شده بود، تا بموقع بتواند جلوی اصابت دشمن را بگیرد. همچنین زره و کلاه خود و برگستان که نوعی زره برای چهارپایان بوده است، نیز استفاده می‌شد. در هنگام محصور شدن در قلعه‌ها، دیوارهای محکم اطراف قلعه و خندق‌های عمیق دور قلعه که با آب پر می‌شد و همچنین تعرض به دشمن از بالای قلعه بوسیله تیراندازی و پرتاب سنگ و روغن داغ کرده به سر و روی دشمن و به هنگام فرار از سیخ‌های نوک تیز آهنین استفاده می‌شد.<sup>۴</sup>

حافظت سپاه در مقابل تغییرات جوی توسط چادر و تجهیزات ویژه زمستانی تضمین می‌شد.

**البسه نظامی:**  
لباس سپاهیان قبا بود و موز (نوعی کفش ساقه دار). همچنین از زره استفاده می‌کردند که فقط تا حدی سینه را می‌پوشاند و گهگاه از سیم بافته شده و ریزه‌های ابریشم در خلال آن قرار می‌دادند تا شمشیر به آن اثر نکند و به آن غشراگند می‌گفتند. همچنین از کلاه خودی استفاده می‌کردند که از چرم یا آهن ساخته شده بود.

### چهارپایان جنگی:

چون دیلمیان قومی کشتکار بودند به اقتضای شغل خود چهارپایان اهلی نیز نگه می‌داشتند اما اسب پرورش نمی‌دادند به گفته ابن حوقل «چهارپایان چرنده دارند، ولی چهارپایان سواری را فاقدند»<sup>۵</sup> از این رو آنها در جنگ پیاده نبرد می‌کردند با ورود ترکان که سوارگان تیرانداز ماهری بودند اسب به سپاه آل بویه اضافه شد که به عنوان حیوان سواری در حملات سریع نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت. اسب به راحتی می‌توانست در حمله‌های سریع به داد سپاه آل بویه برسد.<sup>۶</sup>

به کار گرفتن فیل‌های جنگی قبل از زمان ساسانیان شناخته شده بود با وجود این به کاربردن فیل پس از آنکه ارتباط با هند قطع شد از بین رفت و با این وصف واقعاً فیل پس از ظهور اسلام طی دو و نیم قرن در ایران ناشناخته ماند. ابتدا عضدادوله در سال‌های ۳۷۳-۵۳۸ م/۹۲۹-۹۸۳ این حیوان را دوباره در جنگ بکار گرفت و از آن سود جست «از برای فیلان گند بساخت و در آن وقت آنرا فیلخانه عضدی گفتندی<sup>۷</sup> هرگاه فرماندهان سپاه این حیوان پر ارزش را به غنیمت می‌گرفتند بسیار خوشحال

## فصل دوم: روش ها و فنون جنگی

می شدند حتی لشکر کشی های اختصاصی نیز به منظور تصاحب فیل ها انجام می گرفت.<sup>۹</sup> از شتر نیز استفاده می شد.



### الجیش الماء یا نیروی دریایی:

در دروہ آل بویه در تجهیزات جنگی دیلمیان تحولاتی به وجود آمد که این خود زائیده موقعیتهای خاص استراتیکی آنان بود. آنها ناگزیر بودند برای تصرف برخی از مناطق به دریا همچون بصره، موصل، بطایح و عمان و همچنین برای حفظ آنها از نیروی دریایی استفاده کنند. آنها در جنگ با موصل بود که به لزوم ساختن تجهیزات دریایی پی برند و در این مورد اقدام کردند «معزالدوله به ساختن پنجاه و اندی زیب پرداخت و روز چهارشنبه آنها را به دجله انداخت جوانان در آنها نشسته با زیب سواران ناصر الدوله می جنگیدند.<sup>۱۰</sup> با توجه به موفقیتهایی که آل بویه در نواحی فوق کسب کردند تجهیزات دریایی آنها باید به حدی از کمال و پیشرفت خود رسیده باشد. «معزالدوله برای لشکر کشی به عمان به ساخت و تجهیز کشتی های جنگی در بصره اقدام کرد نیروی دریایی او در این جنگ نزدیک به ۱۰۰ کشتی جنگی می شد<sup>۱۱</sup>» برای نیروی دریایی آل بویه سپاه مخصوصی نیز وجود داشت که آنها فقط در نیروی دریایی می جنگیدند این سپاه را جیش الماء یا عسکر الماء یا سپاه آب می خوانند «معزالدوله دارای اخبار و حالاتی بود از جمله اینکه سپاه آب و سپاهی از دیلم را به عمان فرستاده<sup>۱۲</sup>» و همچنین «ع ضد الدوله تصمیم گرفت سپاه آب را برای فتح بصره بفرستد<sup>۱۳</sup>»

### آمادگی جنگی :

بر اساس نیازی که ایران در طول قرننهای متمادی به فن سپاه و سپاهیگری داشت آمادگی جنگی به عنوان یک نیاز به خصوص در میان اقسام بالای جامعه تداوم و استمرار یافت.

آل بویه به دلیل پی افکنندن حکومتی با محوریت نظامی این نیاز را بیشتر احساس کرد. آنان به منظور احتیاج روزافزونی که به خدمات نظامی و ارتقا هرچه بیشتر سطح کیفیت سپاهیان و داشتن افراد مجبوب و کارآمد داشتند، کریشن سپاهیان خود را از اقسام بالا به مردم کوچه و بازار انتقال دادند همانطور که عماد الدوله و برادرانش فرزندان یک ماهیگیر ساده بودند.

آل بویه و بخصوص دیلمیان به دلیل جو مساعد به فرهنگ سازی فضای نظامی جامعه خود پرداختند از آن جمله رایج کردن ضرب المثل هایی که به شجاعت و دلیری دیلمیان تاکید داشته است همچنین رایج کردن بازیهای سلحشوری که ریشه های بومی و قومی داشته از آن جمله کشتی را می توان نام برد که توسط آنان دامنه استفاده از آن تا بغداد نیز گسترش یافت.<sup>۱۴</sup>

کشتی که در ظاهر یک بازی سرگرم کننده بود ولی در عین حال وسیله ای برای محک و سنجش افراد زورمند به حساب می آمد. دیگر بازی شطرنج بود که در میان سلاطین آل بویه جایگاهی داشته است «محمود غزنوی مجدد الدوله آل بویه از ری را که طبق قرارداد نزد وی به گرو بود سرزنش می کرد که او شطرنج بازی می کرده<sup>۱۵</sup> و بنا بر این اوقات خود را به بطالت گذرانده است»



مقابل شاه مانور نظامی می داد بدین صورت که پادشاه در بیرون شهر می ایستاد و سپاهیان دسته دسته همراه سرداران هر دسته و صنف جداگانه ای از برابر او عبور می کردند تا پادشاه تعداد ایشان و تجهیزاتشان را ببیند «رکن الدوله به سرداران سپاه خود خلعت داده سپاه را سان دیده سرداران یکی پس از دیگری، گردانها پشت سر یکدیگر از پیش او گذشتند و از ایشان خوشنودی نمود»<sup>۱۷</sup>

این دقت نظر پادشاهان آل بویه به سپاه به دو دلیل بوده است اول بخاطر خود خصلت جنگی سلاطین آل بویه و دوم به دلیل وسعت قلمرو این خاندان که نظارت دقیق در دفع تحریکات و حفظ مرزها را الزام می کرد.<sup>۱۸</sup>

که البته این دقت نظر به امیران لشکر نیز انتقال می یافت که معمولاً جزئیات مربوط به قیادت سپاه غالباً تحت مستقیم آنان واقع بود. هرگونه غفلت از حسن جریان احوال سپاه ممکن بود به بهای از دست رفتن ولایتی تمام شود یا حتی امارت و حیات او را در معرض خطر نماید.

بطور کلی در تعليمات نظامی بسیار سختگیری می شد بطوری که سربازان می بايست از فوامین مو به مو اطاعت کنند البته اطاعت قوا به وسیله اعمال مجازات (تبیه) و پرداخت به موقع دستمزد (تشویق) تضمین می شد با این وجود اغلب لایقرتین سپاهیان نیز تربیت می شدند.

آل بویه در ابتدای کار خویش به دلیل اتکاء دیلمیان به عنوان هسته اصلی سپاه، داشتن اصل و نسب اصیل را ملاکی برای سنجهش سپاه خود قرار می داد از آن جمله (آل بویه در سال ۳۸۸ هجری ۹۹۸ میلادی) هزار نفر از کسانی را که

در دوره آل بویه دو نوع سپاه وجود داشت ۱- سپاهی که افراد آن ورزیده و جنگدیده و با اطلاع از فنون جنگی بودند ۲- افرادی که در موارد گوناگون جزو سپاهیان قرار می گرفتند و به آنان حشری و یا وگی می گفتند.

دسته اول به مناسبت لیاقت و آشنایی به فنون جنگی و مهارت در تیر اندازی حقوق دریافت می داشتند بطور کلی فن حمله و دفاع در مقابل دشمن و بکار گرفتن سلاحهای گوناگون هریک تحت قواعدی بوده و احتیاج به تمرین و فرآگرفتن فنون و معلومات بسیار داشته است و کسی میتوانست در جرگه سپاه دائمی باشد که از عهده همه این تعليمات و سنجهش های مکرر به خوبی در می آمد و پیروز میدان می شد. بعضی از پادشاهان و خلفا هرچند وقت یکبار سپاهیان را امتحان می کردند.<sup>۱۹</sup>

معتصد خلیفه عباسی در میدانی می ایستاد و افراد سپاه را از روی تیراندازی در حال سواری امتحان می کرد و هریک سپاهی که خوب تیر می انداخت و با آرامش و بدون اضطراب، استوار روی زین اسب نشسته بود و تیر او به هدف اصابت می کرد در کنار اسمش خوب می گذاشت و اگر مهارت او قدری کمتر بود متوسط می نوشتم و در صورتیکه هیچ لیاقتی نشان نمی داد دون (بد) می نوشت. کسانی که خوب از عهده امتحان برآمده بودند به عنوان سپاه مخصوص خلیفه تعیین می شدند و متوسطان را در شحنگی راه خراسان و نواحی دیگر تعیین می نمود. رسم بود چون سپاهی به جنگی اعزام می شد ابتدا باید در

دارای اصل و نسب اصیل نبودند اخراج کرد »  
عضدالدوله احوال تمام قایدان و حاجبان خویش  
را با دقت و احتیاط بسیار زیر نظر داشت«<sup>۱۹</sup>



### آرایش نظامی:

سپاه، به سه جناح راست و چپ و نیز وسط (قلب) تقسیم می شد. علاوه بر آن میش قراولان و حشریان (ذخیره ها) نیز در سپاه موجود بوده. سپاه منظم متشكل از واحدهای پیاده و نیز دسته های سواره بود. بوجه ای ها ابتدا پیادگان سپاه را قرار می داند و پس از پیادگان سواره نظام قرار می گرفتند. دیلمیان به عنوان پیادگان سپاه و ترکان سوارگان سپاه را تشکیل میدادند. نوعی گارد احترام از همان نوع گارد سلطنتی نیز وجود داشت که باید هم رکاب شاه شده و در سفر و حضر در کنار او باشند به همین دلیل می باشد از چهره ای زیبا، قد و قامتی نیکو و دلاوری کامل برخوردار بوده باشند که به ایشان مفردان می گفتند تعداد گارد احترام ۲۰۰ نفر بود. البته امیران و سپهسالاران نیز گاردهای محافظ مشابهی داشته اند.<sup>۲۰</sup>



### تакتیک های نظامی:

دیلمیان که قلب سپاه آل بویه را تشکیل می دادند مردمانی شجاع و دلیر بودند که یک تنه از پس صد نفر بر می آمدند و بارها پیش می آمد، با آنکه شمار آنها از تعداد نیروی دشمن به مراتب کمتر بود با این همه پیروزی را از آن خود کنند.

البته این شجاعت زمانی می توانست کار خود را به پیروزی مبدل کند که با فنون جنگی و معادلات



### رده بندی سپاهیان نیز بدین گونه بود:

۱. هر ده سپاهی تحت فرمان یک عريف بود
۲. هر ده عريف زیر نظر یک نقیب (گروهبان)
۳. هر ده نقیب تحت فرمان یک قائد
۴. هر ده قائد زیر نظر یک امیر

نوع خود بی نظیر است آنان اردوگاههای دشمن را بوسیله خار و خاشاک آتش می زدند تا عرصه را برایشان تنگ کنند. استحکامات و سنگربندی دشمن با استفاده از دود آتش و غرقاب کردن منطقه مورد حمله قرار می گرفت.<sup>۲۷</sup> برای این منظور دهات و خانه های دهقانی آن نواحی سوزانده شده و همچنین چاه ها و حشمه های آن نواحی ویران میشد تا علاوه بر وارد کردن خسارت کلی به طرف متخصص اساساً هیچگونه تسهیلات اقتصادی نیز در اختیار اردوگاههای تحت محاصره قرار نگیرد.

نقب زدن نیز از فنون پیشرفته آنان، که مبتنی بر قواعد ریاضی بود و توسط مهندسان کارآزموده انجام می شد. نقب را طوری می زدند که از همان نقطه ای که می خواستند سر در می آورد. گاهی نقب برای خراب کردن قسمتی از دیوار قلعه یا برجی بود در این مورد نقب را تا زیر آن دیوار یا برج می برdenد و بتدریج که خاکبرداری می کرdenد چوبهای کوتاه زیر دیوار قرار می دادند چون زیر دیوار یا برج بکلی خالی می شد چوبهایی که در زیر آن بود آتش می زدند و در نتیجه دیوار یا برج فرو می ریخت.<sup>۲۸</sup>

گاهی به جنگ فرسایشی دست می زدند و در این مورد هدر دادن و اتلاف وقت شیوه ای بود که دشمن را به هراس انداخته، مجبور به ترک مخاصمه می نمود از آن جمله رکن الدوله به این روش دست می زد «او در جنک با سامانیان برای محدود کردن میدان جنگ از ری خارج شد و در طبرک جنگی بدین ترتیب جنگ طولانی شد و نزدیک شدن زمستان خراسانیان را ترساند آنان جنگ را رها کرده مجبور به صلح شدند.<sup>۲۹</sup>

پیشرفته نظامی همراه باشد. فنونی که برگرفته از قواعد دقیق هندسی و ریاضی بود و ابن عمید وزیر جنگجو و دانشمند این سلسله آن را اختراع کرده بود، قواعدی که حتی مجال فرار کردن به دشمن را نمی داد چه رسد به پیروزی آن. به طور کلی می توان فنون نظامی آنان را به دو بخش فنون حمله به دشمن و فنون دفاع در مقابل دشمن تشریح کرد.



#### ۱. فنون حمله به دشمن :

نبرد با یک یا چند حمله تن به تن آغاز می شد. پس از جنگ تن به تن نوبت به جنگی همگانی می رسید که با خطابه فرمانده سپاه آغاز می گردید. آل بویه به ویژه دیلمیان در موقع خاص روحیه دشمن را دستخوش بازیچه خود نموده و تضعیف می کردن از آن جمله استفاده از چادرهایی که به نشانه پیروزی و ادامه جنگ بود «امیر ابوالحسین بویه چادری به رسم دیلمیان همراه می برد که برپا بودن آن نشانه جنگ و برکنده بودنش نشانه گریز بود»<sup>۲۵</sup>

دیلمیان همچنین در تعقیب و گریز دشمن از روش پیشروی آهسته سود می جست که در نوع خود اتلاف وقت بحساب می آمد روشهای مسکویه از آن با نام خزیدن یاد می کرد «جنگی که ۱۹ روز ادامه داشت ولی همه روز توازن پس می نشست و دیلمیان به صورت خزیدن پیش می آمدن که این از عادات ایشان در چنین موقعیتها بود.<sup>۲۶</sup>

در فن محاصره از روشهایی استفاده می شد که در

همچنین بستن سد بر روی آب رودخانه ها از دیگر روش های جنگ فرسایش بود.

دادن رشوه به فرماندهان سپاه دشمن از حیله های نظامی آل بویه محسوب می شد «دانست که با جنک نمی تواند به نیروی چنان عظیم پیروز گردد پس در صدد فریب فرماندهان سپاه مقابل برآمد.<sup>۳۰</sup>».

استفاده از جاسوسان برای آکاهی از وضع دشمن از دیگر روش ها بود این امر نیاز به آموزش و تشکیلات خاص داشت.

پس از پیروزی سپاه توجه خود را به غنایم معطوف می کرد که بدست آوردن آنها یکی از اهداف عملیات جنگی محسوب می شد از جمله این غنایم آذوقه و سلاح ها و اموال شخصی سپاهیان دشمن بود.

از جمله روش های مطلوب آل بویه عدم غارت و قتل عام شهرها پس از پیروزی بر آنها بوده است که این نیز به خاطر تاکید سلاطین آل بویه بر سپاهیان خود مبنی بر خوشرفتاری با مغلوب شدگان بود آنان حتی رسم زندان و شکنجه را در مورد ضعفا اعمال نمی کردند.<sup>۳۱</sup>

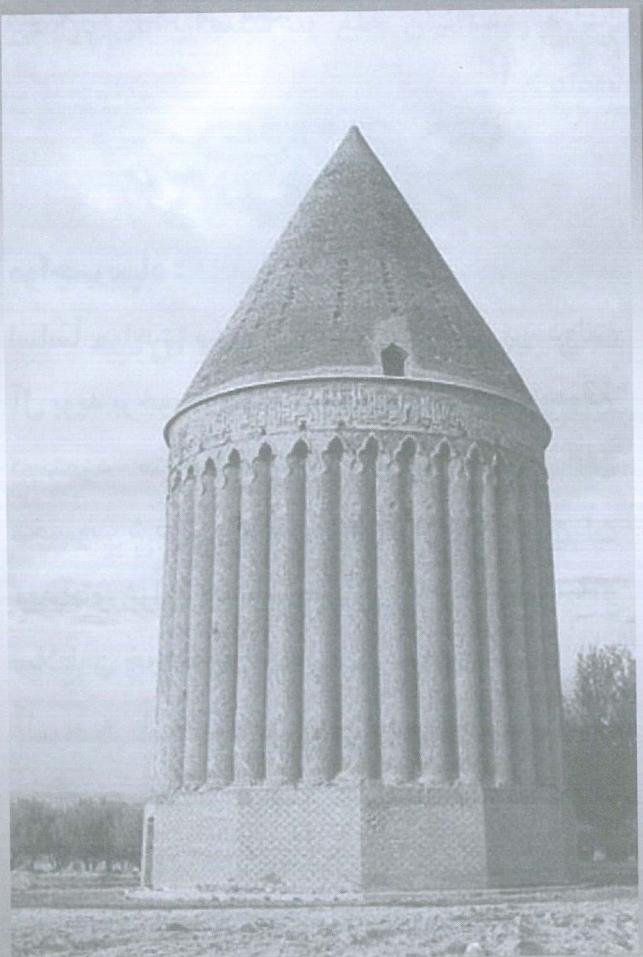


## ۲. فن دفاع در مقابل دشمن:

سد دفاعی آل بویه به حدی محکم و قوی بوده که از آن تعبیر به دیوار شده است دیواری که با صد رنگ نقاشی شده بود چون آنها تنگ پیشروی می کردند می توانستند با سپرهای بلند خود دیواری نفوذ ناپذیر در برابر دشمن تشکیل بدهند

هنگام محصور شدن در قلعه ها، خندق هایی عمیق دور آن می کنند و آنها را با آب پر می کردد تا عبور از آن تقریباً غیر ممکن شود و از بالای دیوارهای قلعه سنگ و چیزهای دیگر پرتاب می کرند.

در محل هایی که سپاه استراحت می کرد برای محفوظ ماندن از غافلگیر شدن دیدبان قرار می دادند و اطراف خود خندق های موقتی می کنند یا شاخه های بزرگ درخت با شاخ و برگ در زمین کار می گذاشتند تا برای دشمن موضع ایجاد کرده و فرصت کافی برای فرار داشته باشند. در موقع عقب نشینی پشت سر خود در سر راه دشمن سیخ های نوک تیز آهینه در زمین فرو می برند تا مانع عبور سریع دشمن شوند.<sup>۳۲</sup>





## فصل سوم : امور اقتصادی سماه آل بویه

### دیوان سپاه :

کار این دیوان رسیدگی به امور سپاه، گرداوری و اعزام آنها برای جنگ بود، تامین و پرداخت مواجب سپاه از جمله وظایف این دیوان محسوب می شد.

چون شکل دولت آل بویه، دولتی با خودکامگی نظامی بود بنابراین این دیوان از شاهرگهای اساسی آن دولت محسوب شده و سلاطین مقتدر آل بویه از جمله عضدالدوله دقت بسیار زیادی برای کار این دیوان می نمودند، چرا که غافل شدن از کار این دیوان می توانست به بهای سنگین از دست دادن حکومت تلقی شود چون بیشترین فعالیت این دیوان صرف تامین بودجه برای سپاه می شد، عموماً مصلحت دیوان تابع مصلحت لشکر می شد.



### مواجب سپاه :

اساساً مواجب سپاه از اهمیتی اساسی در دولت آل بویه برخوردار بوده است چون پرداخت بموقع دستمزد سپاهیان نوعی تشویق برای آنان محسوب شده و بالعکس عدم پرداخت بموقع آن تهدیدی برای اعتماد سربازان نسبت به امرا و سلاطین خود بوده است.

آل بویه با سپاهیان خود نوعی قرارداد کاری منعقد می کردند که براساس روزهای منعقد شده در قرارداد به سپاهیان خود حقوق می دادند. بر این اساس پس از سنجش سپاهیان به سه دسته خوب متوسط و بد آنان تقسیم می شدند.



### نظام اقطاع داری سپاهیان :

عماد الدوله به عنوان موسس سلسله آل بویه بنیان کار خود را به جلب قلوب سپاهیان با سخاوت و گشاده دستی خود قرارداد که این شیوه اساس قدرت دولت آل بویه شد.

چون حکومت برپایه پیروزی سپاهیان در میدان حرب می چرخید، لذا سپاهیان از نقش مهم و حساس خود آکاه شده و روز به روز بنای ناسازگاری با حکومت را بیشتر کرده و مواجب و پاداش بیشتری را طلب کردند. «سرداران تنها به

سپاهیانی که نتیجه امتحانی آنان خوب بود قرارداد ۹۰ روزه داشته و در پایان ۹۰ روز صد و بیست و پنج هزار دینار دریافت می داشتند. سپاهیان برگزیده و معروف به شجاعت که مخصوص رکاب خلیفه و ملازمان قصر خلیفه بودند در ۷۰ روز مجموعاً چهل و دو هزار دینار دریافت می کردند

سپاهیانی که با نتیجه متوسط بودند ماه حقوقی ایشان ۱۲۰ روزه بود و سپاهیانی که نتیجه امتحانی آنان بد بود در هر سال در دو نوبت (هر ۶ ماه) حقوق دریافت می کردند. هر غلام روزانه ۱۰ درهم <sup>۳۴</sup> و هر نقیب ۲۰ درهم می گرفت.

عضدالدوله در مورد مواجب سپاه همواره اصرار داشت قبل از پایان ماه به آنان داده شود.<sup>۳۵</sup> همچنین سپاه قبل از حمله انتظار پاداش به صورت مسکوکات و پس از کسب پیروزی توقع اعتنایی شایسته بویژه اعطای هدايا و دادن سهمی از غنایم را داشت.

پاپوش برای دارایی هر کس که متهم به داشتن ثروت بود.<sup>۳۸</sup>

دادن این گونه اقطاع ها به نظامیان جامعه را به سوی نوعی اشرافیت نظامی سوق داد. امرای لشکر به شبه زمیندارانی تبدیل شدند که هر وقت اراده می کردند می توانستند بر علیه دولت قیام کنند. البته این اشرافیت خصلت موروشی نیز داشت و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد.<sup>۳۹</sup> آل بویه به دلیل اتكایی که به دیلمیان در حمله های نخستین خود داشتند، بیشترین اقطاع را به آنان واگذار کردند اما تفوق نظامی دیلمیان بر مردم غیر نظامی زیان های زیادی به بار آورد. دیلمیان بر مردم بیداد و ستم می کردند.<sup>۴۰</sup> «اما سپاهیان زمینداران بدی از آب درآمدند و در پایان سلسله آل بویه صاحب منصبان نظامی به اندازه روستائیان خلع ید شده از آنان ناراضی بودند»<sup>۴۱</sup>

#### فصل چهارم: ساختار نژادی سپاه آل بویه

##### دیلمیان:

دیلمیان که پسران بویه نیز از میان آنان برخاسته بودند نقطه اتكای اولیه آل بویه شدند. آنها که در ابتدا تمام امکانات موجود و بالقوه آل بویه بودند نقش مهمی را در پیروزی آنان ایفا کردند. سلاطین بویه ای نیز همواره نسبت به آنها ادای دین کرده و خود را مديون آنان می دانستند و اعتماد ویژه ای به این گروه از سپاهیان خود

اندیشه پر کردن جیب و تأمین سود بیشتر و ادعای سوخت شدن و درخواست کسر بودند. اگر تحصیلدار دولت بر ایشان سخت می گرفت دشمنی می ورزیدند و اگر نسبت به ایشان سست می گرفتند، آزمندی ایشان فزونی می یافت و پایانی نداشت»<sup>۴۲</sup>

حکومت نیز چاره ای جز برآوردن درخواست ایشان نداشت. لذا با گشاده دستی های فراوان، هزینه ها بالا و بالاتر رفته و درآمدها نزدیک به افول نهاد و خزانه خالی شد.

عماد الدوله راه حل جدیدی را برای این مشکل تعیین کرد. وی زمین های رعایای ثروتمند تر خود را مصادره کرده و آن را به عوض مواجب به عنوان اقطاع به صاحب منصبان نظامی خود می داد این شیوه پرداخت مواجب قبل از فتح عراق توسط آل بویه در ایران مرسوم شد.

گاهی اوقات برای دادن پول به سپاهیان، دولت ناگزیر از برخورد و خشونت با مردم می شد تا آنها را از راه های غیرقانونی بستاند از جمله معزالدوله چنین کاری کرد. (او دیه های خالصه ی سلطنتی، املاک فئودال های فراری یا پنهان شده و نیز مناطق خرده مالکی را به صورت نیول در اختیار سرداران و دوستان و ترکان گذاشت تا آنجا که بیشتر سواد عراق از دست کارگزاران و فرمانداران دولتی بیرون آمده و بصورت اقطاع در بست در اختیار فئودال ها قرار داده شد.) همین معز الدله در مورد غلامان خود نیز تندروی کرده و اقطاع هایشان را گسترش داد.

این تیول ها از راه دیگری نیز بدست می آمد از جمله گرفتن وام، مصادره اموال مردم و یا دوختن

است و از آن جانب کوه که در مقابل طبرستان و دریا باشد همه نیزارها و آبهای است. میان کوه و دریا مسافت یک روزه راه است و در برخی موضع دریا به کوه زند<sup>۴۳</sup>)

آن چیز که در این میان مهم است بگر بودن منطقه دیلمان است. این منطقه از هر طرف محصور به کوه های سربه فلک کشیده جلگه گیلان است که دستیابی به آن آسان نیست و این امر مبین آن است که این منطقه به لحاظ جغرافیایی نقش یک پناهگاه مستحکم را برای مردم خود در دورانهای مختلف تاریخی ایفا کرد و مردم دیلمان به لحاظ دارا بودن از چنین موهبت طبیعی همواره اندیشه های اقتدار و دگر اندیشه و افکار استقلال طلبانه را در طول قرنها در خود پرورانده و فرصت کافی برای نیل به چنین مقصودی را نیز البته پیدا کردند.

داشتند و به آنان عنوان اولیاء دولت داده بودند و از حیث مستمری و سایر مزايا از دیگر عناصر سپاه متمایز بودند. دیلمان که از قوی ترین مردان جنگی ایران محسوب می شدند، نقش بسیار مهمی در استقلال هرچه بیشتر ایران از بغداد داشته اند. آنان در کارایی نظامی و شجاعت و دلیری و قناعت در سختی و تبعیت از پیشوای خود بی نظیر بودند و همواره به دلیل احساس خویشاوندی که برگرفته از زندگی محلی آنان بود در هر موقعیتی به هم وابسته بودند. به دلیل نقش مهمی که این گروه در روند شکل گیری و تداوم حکومت آل بویه داشته است، لازم است که در مورد موقعیت جغرافیایی سرزمین آنان و سابقه جنگی آنان در ادوار تاریخی و نقشی که این دو مقوله در روند قدرت یابی آنان داشته است صحبت شود.



## ۲. سابقه جنگی دیلمیان در ادوار تاریخ:

دیلمیان مردمانی جنگجو و شجاع و سرخست بودند، دلیری آنان ضرب المثل بود. آنان در کارایی نظامی سنتی دیرینه داشتند که به دوره های پیش از میلاد مسیح بازمی گردد. آنها همواره به عنوان سربازان مزدور در سپاه ایران خدمت می کردند<sup>۴۴</sup>. آنان در جنگ های بیزانس و فتح یمن<sup>۴۵</sup> و در لشکر کشی های ساسانیان به گرجستان مهارت های نظامی تحسین برانگیز خود را به همه نشان دادند. رومیان نیز در همین هیاتها با آنان آشنا شدند و آنان را قومی وصف می کنند که هرگز مطیع پادشاه ایران نبودند و فقط

## ۱۱. موقعیت جفوایی سرزمین دیلم :

موطن اصلی مردم دیلم سرزمین دیلمان نام داشت که پسوند (ان) در واقع به معنای محل بود باش این اقوام است.

سرزمینی سبز و پوشیده از جنگل که در جنوب دریای خزر واقع است.

البته این منطقه در اعصار تاریخی شامل سرزمین وسیعتری نسبت به حال آن بوده است (( این منطقه وسیع از دیار اران و آذربایجان تا جرجان و خراسان و خوارزم باز کشیده شده است ))<sup>۴۶</sup>

ابوالفدا، در کتاب تقویم البلدان به ذکر دیار دیلم می پردازد (( کوهستان دیلم را قله های بلند



سر بازان مزدوری بودند که در پیاده نظام سپاه  
خدمت کرده و بطرز استثنایی عالی بودند.<sup>۴۶</sup>

دیلمیان بی باک که در برابر سلطه حکومت های  
هخامنشیان و ساسانیان سرسختانه ایستادگی  
کرده بودند در مقابل حملات مداوم مسلمانان  
فاتح از خود پایداری نشان دادند و تسلیم آنان  
نشدند

آنها پس از ورود اسلام به ایران وارد سپاه  
دولتهای اسلامی شده و در کشمکش های  
سرداران قوم جبال و آذربایجان در صفوف  
لشکریان آنان قرار گرفته و موجب فتح بلادشان  
شدند.<sup>۴۷</sup>

طولی نکشید که دیلمیان در بین التهرين و حتى  
نواحی غربی تر فعالیت های خود را آغاز کرده و به  
زودی دیلمیه نیز مانند خراسانیه و مغاریه و  
فراغنه در هیات سپاه خلیفه درآمدند و حتى  
خلیفه المتقدی بالله سرکرده ای از دیلمیان را  
عنوان امیر الامرایی بخشید.<sup>۴۸</sup> این طایفه در سپاه  
ال سامان و زیدیه طبرستان به حد بالایی از  
قابلیتهای نظامی رسید تا جایی که سلاطین بویه  
ای در جرگه امرای لشکر این سلسله ها بودند.  
درست است که سرداران دیلمی در آغاز ورود به  
صحنه حوادث بیشتر سرکردگان سپاه های  
غار تگر و غنیمت جویی بودند که در سرزمین های  
مورد تهاجم خویش جز به چشم تجاوزگرانی  
وحشی و عاری از فرهنگ تلقی نمی شدند اما  
لاقل در عهد خاندان بویه انضباط حاکم برادراد  
سپاه دیلمی را وسیله ای برای استقرار صلح و  
ایجاد امنیت ساخت.<sup>۴۹</sup>

ترکان دیلمیان توانستند در پیروزیهای نخستین آل بویه  
عامل موثری باشند اما در ادامه به دلیل افزایش  
سرزمین ها و گسترش قلمرو آل بویه و محافظت از  
سرحدات و جنگ با مدعیان حکومت ضرورتهای  
شدیدی در سپاه آل بویه احساس شد که نیاز به  
نیروی دومی را توجیه می کرد که بتواند هماهنگ  
با دیلمیان حرکت کرده و به نوعی مکمل آنان  
باشد و این نیروی دوم گزینه ای جز سپاهیان  
ترک نبود.

آل بویه از مدت‌ها قبل یعنی زمانی که در دستگاه  
حکومتهای وقت خدمت می کردند با کارایی  
نظامی آنان آشنایی یافته بودند و از نقاط ضعف و  
قوت آنان آگاه بودند و خوب می دانستند که  
ترکان حرف اول را به عنوان سربازان مزدور در  
دربار خلفای وقت میزند بنابراین سعی در جذب  
آنان نمودند البته این اتفاق در دوره عماد الدوله  
یعنی قبل از تسلط آل بویه بر بغداد صورت گرفت  
و آن زمانی بود که مرداویج کشته شده و مزدوران  
ترکش به عماد الدوله پیوستند.<sup>۵۰</sup>

همچنین استفاده از سپاهیان ترک به منزله  
ابزاری برای قدرت فزاينده دیلمیان بود. قبل از  
این دیلمیان از نیازهایی که سلاطین آل بویه به  
شمشیر آنان داشتند کاملاً آگاه بوده و روز به روز  
درخواستهای غیر متعارف تری داشتند و خواستار  
امتیازات بیشتری بودند و برای نیل به این هدف  
دست به شورش می زدند «سپاه از پادشاه گرو  
کشی می کند و درخواستهایی می کنند که درآمد  
کشور بر آن بسنده نباشد و بی ادبی ها می کند»<sup>۵۱</sup>  
بنابراین آل بویه با این کار می توانست در موقع  
ضرورت با اتكا بر نیروی ترکان دیلمیان را بر سر

بخصوص با روی کار آمدن عباسیان از قدرت چندانی برخوردار نبودند به عنوان سربازان درجه سوم در سپاه آل بویه حضور داشتند. آنها از مهارت خوبی برخوردار نبودند و درست نمی جنگیدند و سعی می شد از آنها در جرگه سربازان کمکی و در موقع ضروری استفاده شود «عربان بسیار که در سپاه بودند درست نمی جنگیدند، بی انصباطی اینان به دیلمیان نیز سرایت کرد پس ایشان را جدا کرده گفتند: تا دشمنان ترک برجای ایستاده اند شما عربها باید منتظر بمانید تا دیلمیان بجنگند و همین که یک ترک گریخت شما عربها حق دارید دنبالش کنید. پس بدانید، هرگاه بیش از شکست ترکان، شما به میان ما آمدید ما شما عربها را بیش از ترکها خواهیم کشت. عربان پذیرفته چنان کردند.<sup>۵۵</sup>



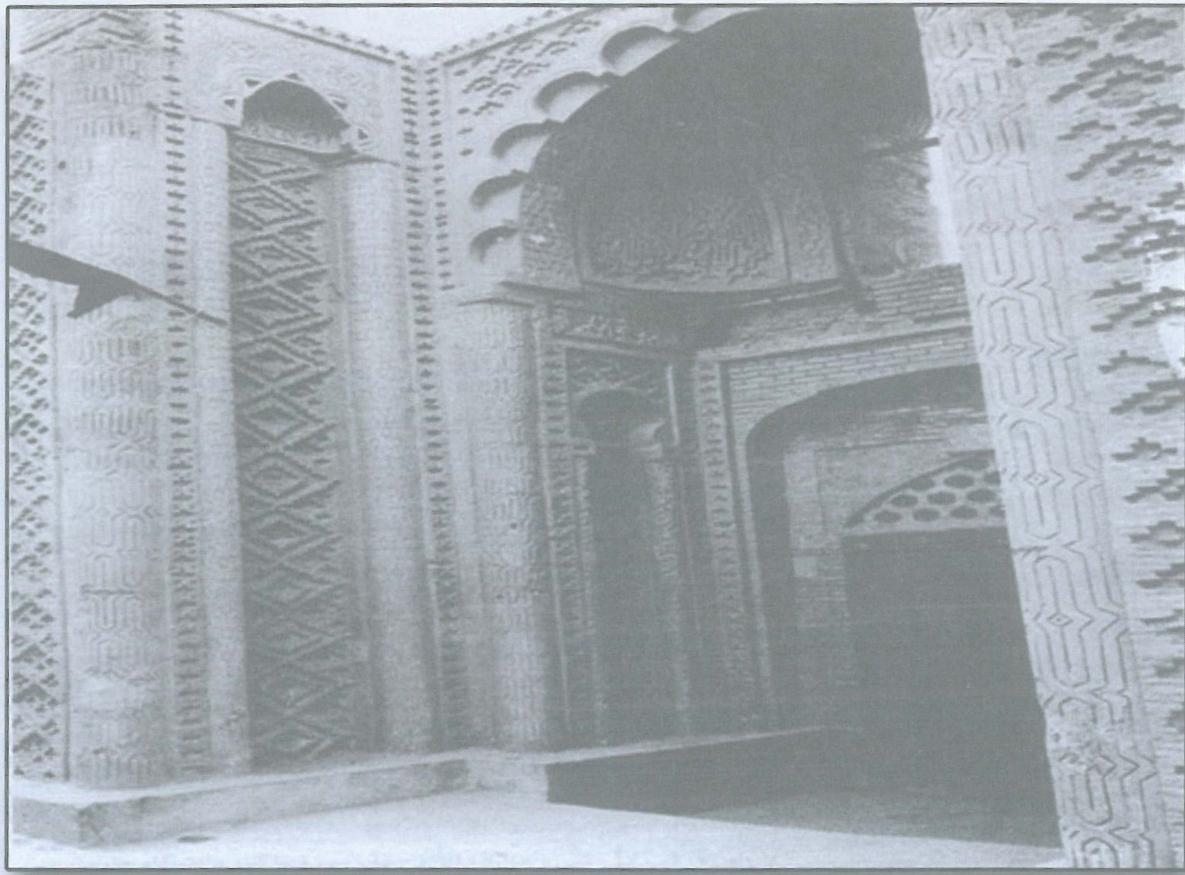
### کردان:

کردان نیز در کنار دیلمیان و ترکان در سپاه آل بویه حضور داشتند اما به دلیل امتیازات ویژه دو گروه اخیر همواره نادیده گرفته می شدند. تنها در زمان رکن الدوله بود که آنها توانستند مجالی برای اثبات خود بیابند. رکن الدوله که از رفتارهای زشت دیلمیان منزجر بود و از عواقب بالا بردن نیروی ترکان نیز آکاهی داشت تصمیم

جای خود بنشاند. این قضیه بخصوص در جبهه بغداد به خوبی و اشکارا ماهیت خود را نشان داد معزالدوله با طرح این اندیشه که تنها بر ترکان اعتماد کنید و از دیگران بخصوص دیلمیان بپرهیزید، بیش از اندازه بر مزدوران ترک تکیه کرد.<sup>۵۶</sup> معز الدوله در هنگام مرگ به فرزند خود بختیار توصیه کرد، که با ترکان به نیکی رفتار کن زیرا اینان جرقه سپاهند و هرگاه از دیلمیان بیم دارد می تواند برای براندازی آنان از ترکان سود جوید.<sup>۵۷</sup>

بنابراین این گونه امتیاز دهی به ترکان و نادیده گرفتن دیلمیان منجر به رقابتی جدی میان این دو گروه گردید. وجود سپاهیان ترک با مذهب سنت در کنار دیلمانی که مذهب شیعه داشتند موجب شکاف عمیقی در سپاه شد که در دراز مدت اثرات غیرقابل جبرانی را برای سلسه آل بویه به ارمغان آورد و منجر به جنگی خانگی کردید جنگی که در آن هر دو طرف را به خاطر ربودن امتیازی بیشتر به جان یکدیگر می انداخت و سپاه را از نیل به اهداف بزرگ خود باز می داشت به طوری که بعدها سبگتگین یگانه سردار ترک رسماً پیشنهاد می کند کشور میان ترکان و دیلمیان تقسیم شود<sup>۵۸</sup> البته تدبیری نیز به منظور فائق آمدن به این مشکلات و ایجاد تعادل در سپاه در زمان عضداددوله بکار گرفته شد از آن جمله ایجاد پیوند زناشویی بین سرداران ترک و دیلم و همچنین انتخاب سردارانی برای هر گروه از میان خودشان که البته شاید این تدبیر توانست در کوتاه مدت مشکلات را مرتفع نماید. لذا به هیچ وجه نتوانست جلوی آن را بگیرد.

عرب ها که در مقایسه با زمان صدر اسلام و



گرفت که به نیروی بی طرفی تکیه کند که جانبدار هیچ گروهی نباشد بنا براین کردان را انتخاب نمود و به آنان اعتماد کرد و نسبت به آنان سخاوت و بخشندگی قابل توجهی نمود که تا آن روز بی سابقه بوده.

رکن الدوله اساس حکومت خود را بر وفاداری کردان استوار کرد و همواره معتقد بود که نیروی او در قلمروش وابسته به کردان است و به همین نسبت به پاره ای از دست اندازی های آنها خرده نمی گرفت و می گفت که آنان نیازمند قوت و گذراندن زندگی هستند.<sup>۵۶</sup>

پاره ای از سیاستهایی که شاهان مقتدر آل بویه نسبت به کردان اعمال می گردند نتیجه مستقیم اهمیتی بود که کردان در سپاه آنان ایفا کرده بودند و نیازی که آل بویه به حضور آنان در سپاه احساس می گردند بنابراین بالطبع با آنان گاهی از در تشویق و گاهی از در تنبیه در می آمدند. از آن جمله «هنگامی که عضد الدوله ، عزالدوله را در بغداد شکست داد با برخی از گروه ها از جمله کردان به سرداری حسنويه جنگید . وی با زیرکی روانشناسانه اما با سخت دلی هراس انگیز برخی از پسران حسنويه را که به تازگی در گذشته بود به هلاکت رساند ، در صورتیکه در همان زمان دیگر پسران وی را خلعت بخشد و یکی از آنها موسوم به بدر را جانشین پدر کرد .<sup>۵۷</sup>



### نتیجه گیری

چون مبنای فکری دیلمیان بر مایه جنگ طلبی و شهامت و دلاوری بود، آل بویه نیز که برخاسته از همین دیلمیان بودند از این طرز تفکر به عنوان شالوده حکومتی خود استفاده کردند و آنرا در تمام زوایای جامعه خود قرار دادند.

فرهنگ برگرفته از میادین جنگ به زودی در تمام تبعات جامعه خود را نشان داد و به دلیل توجه بیش از اندازه آل بویه به این امر به یک خودکامگی مبدل شد. خودکامگی که در آن از پائین ترین قشر اجتماع گرفته تا شاه و وزیر همه و همه را زیر سیطره خود قرار میداد.

براین اساس می توان حکومت آل بویه را حکومتی با محوریت نظامی توجیه کرد زیرا تمام عملکرده ساختارهای حکومتی برای ارتقاء هرچه بیشتر سطح کیفی و کمی آن بوده است. گویی قلب تپنده ای آل بویه سپاه او بوده است. زمانی می توانست پله های موفقیت را یکی بعد از دیگری بالا رود که سپاه قادر تمند و فعالی را دارا بوده و زمانی به دره ای سقوط پرتاپ می شد که سپاه از حرکت باز می ایستاد. بنابراین با حساس تر شدن موضوع نقاط آسیب پذیر آن نیز زیاد شده و به مرور موجبات سقوط این سلسله را فراهم کرد.



# یادداشت ها



۱. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۶
۲. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ج ۲ ص ۳۷۴
۳. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۷
۴. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ج ۲ ص ۳۷۴
۵. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۷
۶. صوره الارض ص ۱۱۹
۷. کمبریج ج ۴ ص ۲۱۸
۸. شیراز نامه ص ۵۱
۹. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ج ۲ ص ۳۷۶
۱۰. تجارب الامم ج ۶ ص ۱۲۷
۱۱. الكامل فی التاریخ ج ۸ ص ۵۶۸
۱۲. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۷
۱۳. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۵۳
۱۴. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ج ۲ ص ۳۹۹
۱۵. الكامل فی التاریخ ج ۹ ص ۱۸۷
۱۶. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۴
۱۷. تجارب الامم ج ۶ ص ۲۲۹
۱۸. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۵۳
۱۹. الكامل فی التاریخ ج ۹ ص ۴۹
۲۰. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۵۵
۲۱. تجارب الامم ج ۶ ص ۲۰۸
۲۲. سیاستنامه ص ۱۱۸
۲۳. تجارب الامم ج ۶ ص ۲۰۸
۲۴. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۴۰۰
۲۵. تجارب الامم ج ۶ ص ۱۱۰
۲۶. همان مأخذ ص ۸۱
۲۷. الكامل فی التاریخ ج ۸ ص ۲۰۰
۲۸. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۶



۲۹. تجارب الامم ج ۶ ص ۱۹۷

۳۰. دیلمان در گستره تاریخ ایران ص ۲۲۷

۳۱. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۳۱

۳۲. کمبریج ج ۴ ص ۲۱۸

۳۳. آل بویه علی اصغر فقیهی ص ۳۸۵

۳۴. تجارب الامم ج ۶ ص ۲۲۰

۳۵. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۵۰

۳۶. تجارب الامم ج ۶ ص ۱۳۴

۳۷. همان مأخذ ص ۱۳۱

۳۸. همان مأخذ ص ۳۳۹

۳۹. کمبریج ج ۴ ص ۲۱۸

۴۰. همان مأخذ ج ۴ ص ۲۱۹

۴۱. همان مأخذ ص ۲۲۱

۴۲. مسالک المعالک ص ۲۱۰

۴۳. مجموعه مقالات گیلان شناسی ج ۲ ص ۹۳

۴۴. کمبریج ج ۴ ص ۲۱۸

۴۵. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۵۴

۴۶. احیای فرهنگی در عهد آل بویه ص ۶۹

۴۷. تاریخ مردم ایران ج ۲ ص ۴۵۴

۴۸. همان مأخذ ج ۲ ص ۴۵۴

۴۹. همان مأخذ ص ۴۵۳

۵۰. کمبریج ج ۴ ص ۲۲۲

۵۱. تجارب الامم ج ۶ ص ۳۳۹

۵۲. سیاستنامه ص ۳۱۱

۵۳. تجارب الامم ج ۶ ص ۲۸۷

۵۴. همان مأخذ ص ۳۰۳

۵۵. همان مأخذ ص ۱۴۶

۵۶. کمبریج ج ۴ ص ۱۴۶

۵۷. دایره المعارف اسلامی ج ۱ ص ۶۳۷

۵۸. کمبریج ج ۴ ص ۲۳۳

## منابع و مأخذ:

۱. ابن حوقل، صوره الارض ، ترجمه جعفر شعار ، تهران ، بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۴۵۱ ،
۲. اشپولر ، بر تولد ، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ، ج ۲، ترجمه مریم میر احمدی ، تهران ، انتشارات علمی فرهنگی ، ۱۳۶۹ چا : اول
۳. ابن اثیر ، الكامل فی التاریخ ج ۸ و ۹ ، بیروت : دارصادر ، ۱۳۹۹ هجری
۴. استخری ، ابوسحاق ابراهیم ، مسالک الممالک ، به اهتمام ایرج افشار ، تهران : علمی فرهنگی ، ۱۳۶۸ ،
۵. بوشه ، هیرمیرت ، کمبریج ج ۴ ، ترجمه حسن انوشه ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۸۱
۶. حکیمیان ، ابوالفتح ، مجموعه مقالات گیلان شناسی ، به کوشش م. پ. جكتاجی ، بی جا ، ۱۳۶۹ چاپ اول
۷. خواجه نظام الملک ، سیاستنامه ، تهران
۸. دایره المعارف بزرگ اسلامی ، تهران : مرکز انتشارات بزرگ اسلامی ۱۳۷۴
۹. رازی ، ابن مسکویه ، تجارب الامم ج ۵ و ۶ ، ترجمه علی نقی منزوی ، تهران : طوس ، ۱۳۷۶ چاپ اول
۱۰. زرکوب شیرازی ، معین الدوله احمد ابن شهاب الدین ، شیرازنامه ، تهران : بنیاد فرهنگ ایران ، ۱۳۵۰ ،
۱۱. زرین کوب ، عبدالحسین ، تاریخ مردم ایران ج ۲ ، تهران ، امیر کبیر ، ۱۳۸۱ ، چاپ هفتم
۱۲. ترکمنی آذر ، پروین ، دیلمیان در گستره تاریخ ایران ، تهران : سمت ، ۱۳۸۴ ، چاپ اول
۱۳. فقیهی ، علی اصغر ، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر ، تهران ، صبا ، ۱۳۶۵
۱۴. ل ، کرم ، جوئل ، احیای فرهنگی در عهد آل بویه ( انسان گرایی در عهد رنسانس ) ، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی ، تهران : مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۷۵ ، چاپ اول